

مجموعه مباحث اخلاقی

اخلاص میوه شناخت

استاد معظم
حضرت آیت الله یثربی کاشانی «دامت برکاته»



۸ خرداد ماه ۱۳۸۷

۲۲ جمادی الأول ۱۴۲۹

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين وصلّى الله على سيّدنا محمّد وآله الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين .

«فِيَا مَنْ هُوَ عَلَى الْمُقْبِلِينَ عَلَيْهِ مُقْبِلٌ وَبِالْعَاطِفِ عَلَيْهِمْ عَائِدٌ مُفْضِلٌ
وَبِالْغَافِلِينَ عَنْ ذِكْرِهِ رَحِيمٌ رَوْوْفٌ وَبِجَدْبِهِمْ إِلَى بَابِهِ وَدُودٌ عَطُوفٌ أَسْأَلُكَ
أَنْ تَجْعَلَنِي مِنْ أَوْفَرِهِمْ مِنْكَ حَظًّا وَأَعْلَاهُمْ عِنْدَكَ مَنَزَلًا وَأَجْزَلِهِمْ مِنْ وَدِّكَ
قِسْمًا وَأَفْضَلِهِمْ فِي مَعْرِفَتِكَ نَصيبًا فَقَدْ انْقَطَعَتْ إِلَيْكَ هِمَّتِي وَأَنْصَرَفَتْ
نَحْوُكَ رَغْبَتِي فَأَنْتَ لَا غَيْرُكَ مُرَادِي وَلَكَ لَا لِسِوَاكَ سَهْرِي وَسَهَادِي وَلِقَاؤُكَ
قُرَّةُ عَيْنِي وَوَصْلُكَ مُنَى نَفْسِي وَإِلَيْكَ شَوْقِي وَفِي مَحَبَّتِكَ وَلَهِي وَإِلَى هَوَاكَ
صَبَابَتِي وَرِضَاكَ بُغْيَتِي وَرُؤْيُكَ حَاجَتِي وَجِوَارُكَ طَلْبِي وَقُرْبُكَ غَايَةَ
سُؤْلِي وَفِي مُنَاجَاةِكَ رُوحِي وَرَاحَتِي وَعِنْدَكَ دَوَاءٌ عَلَّتِي وَشِفَاءٌ عَلَّتِي وَبَرْدٌ
لَوْعَتِي وَكَشْفٌ كُرْبَتِي فَكُنْ أُنَيْسِي فِي وَحْشَتِي وَمُقِيلٌ عَثْرَتِي وَغَافِرٌ زَلَّتِي
وَقَابِلٌ تَوْبَتِي وَمُجِيبٌ دَعْوَتِي وَوَلِيٌّ عِصْمَتِي وَمُغْنِي فِاقَتِي وَلَا تَقْطَعْ عَنِّي
عَنكَ وَلَا تُبْعِدْنِي مِنْكَ يَا نَعِيمِي وَجَنَّتِي وَيَا دُنْيَايَ وَأَخْرَجْتِي يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ»^(١).

ای خدایی که هر کسی رو سوی تو آورد توجّه و اقبال کرده و با عطوفت و مهر ،
فضل و احسان می کنی . و با آنان که از یاد تو غافلند نیز مهربان و دل سوزی ، و با
عاطفه و لطف و جاذبه محبت آنها را نیز به درگاهت می کشانی ، و از تو ای خدا
درخواست می کنم که بهره مرا از فضل خود بیشتر و منزلتم را نزد خویش بالاتر از

١- مناجات خمسة عشر، مناجات مریدین .

همه آنان قرار دهی و قسمت‌ام را از دوستی، عشق و محبت خود بزرگتر و نصیب معرفتم را به خودت از دیگران بیشتر قرار دهی. ای خدا تو جهم از همه منقطع و به سوی توست و اشتیاق و میل به سوی توست، پس تویی نه دیگری مرادم و برای توست نه دیگری شب زنده داری و بیداری‌ام و دیدارت نور چشم من است، و رسیدن به تو آرزوی دلم است. و به سوی توست شوقم و در محبت توست شیفتگی‌ام و به سوی عشق توست دلدادگی‌ام و خشنودی توست آرزویم و دیدار توست نیازم و همسایگی توست خواهم و نزدیکی توست آخرین سؤالم. و در راز و نیاز کردن با توست زنده دلی و آسودگی‌ام و در پیشگاه توست داروی دردم، و بهبودی سوز جگرم و خنکی سوز دلم و بر طرف شدن گرفتاریم، پس باش همدم من در هراسم، و نا دیده گیرنده لغزشم و آمرزنده زشتیم، و پذیرای توبه‌ام و پاسخگوی درخواستم و سرپرست پاک دامنی من و بی نیاز کننده نداریم، مرا از خود دور و جدا مگردان ای تو نعمت و بهشت و دنیا و آخرت‌م ای مهربانترین مهربانان.

توبه فداوند به مقبلین و غافلین؛

در جلسات گذشته با تأمل در «مناجات المریدین» به زبان حال مرید مشفق از لسان مبارک امام سجّاد علیه السلام گوش جان سپردیم. آنها کسانی بودند که ثبات قدم در هدایت، نخستین و مهم‌ترین خواسته آنان است. کسانی که خداوند متعال، دور را بر آنان نزدیک و سختی را آسان نموده است. آنان شب و روز در عبادت و نیایش پروردگار یکتا هستند و همیشه در آستان و درگاه خداوند مقیم اند و با حالت اشتیاق و بیم در آرزوی نوشیدن شراب وصال هستند. در ادامه این مناجات شریف، امام سجّاد علیه السلام از زبان مرید مشفق، خداوند سبحان را این گونه نیایش می‌کنند؛

«فَيَا مَنْ هُوَ عَلَى الْمُقْبِلِينَ عَلَيْهِ مُقْبِلٌ وَبِالْعَاطِفِ عَلَيْهِمْ عَائِدٌ مُفْضِلٌ».

ای خدایی که به هر کسی رو سوی تو آورد توجّه و اقبال کرده، و با عطف و مهر، فضل و احسانی می‌کنی.

«وَبِالْغَافِلِينَ عَن ذِكْرِهِ رَحِيمٌ رُؤُفٌ وَبِجَذْبِهِمْ إِلَىٰ بَابِهِ وَدُودٌ عَطُوفٌ».

و با آنان که از یاد تو غافل اند نیز مهربان و دل سوزی، و با عاطفه و لطف و جاذبه محبت آنها را نیز به درگاہت می‌کشانی.

امام سجّاد علیه السلام در این قسمت به برخی از ویژگیهای خداوند متعال اشاره می‌کنند و می‌فرمایند: خداوندا! تو به سوی هر کس که به سویت اقبال و توجّه کند روی می‌آوری، و با مهربانی، تفضّل و بخشش به سوی کسانی که ادب بندگی را رعایت نکردند رخ می‌نمایی و توبه آنان را می‌پذیری و به سویشان گام بر می‌داری. خداوندا! آن هنگام هم که طالبین و مشتاقان دچار غفلت و فراموشی می‌شوند باز تو آنان را فراموش نمی‌کنی و با آنان مهربانانه و دل سوزانه رفتار می‌کنی و آنان را به سوی خود می‌کشانی و جذب می‌کنی.

پیرامون آدمیان جاذبه‌های گوناگونی وجود دارد. آدمیان گاه مجذوب افرادی می‌شوند که دارای قدرت، ثروت و شهرت هستند. در این صورت فرد مجذوب در حقیقت جذب ثروت شده است، وای بسا به صاحب ثروت هیچ علاقه و محبتی نداشته باشد. در بسیاری از موارد هم در صورت از بین رفتن ثروت، علاقه بین آنان قطع می‌گردد. اما جاذبه خداوند متعال، جاذبه محبت و مودّت است و آدمیان جذب این نیروی قدرتمند خداوند متعال می‌شوند. خداوند سبحان با مهربانی و محبت آدمیان را به سوی خود جذب می‌کند.

اهمیت معرفت به خداوند متعال؛

حال این انسان مشتاق، که امام زین العابدین علیه السلام کاملترین نمونه چنین انسانی می‌باشند، دستها را به سوی آسمان بلند می‌کند و خواسته‌های بسیاری

مهمی را از بارگاه احدیت درخواست می‌کند ،

«أَسْئَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ لِي مِنْ أَوْفَرِهِمْ مِنْكَ حَظًّا وَأَعْلَاهُمْ عِنْدَكَ مَنَزِلًا وَأَجْزَلِهِمْ مِنْ وُدِّكَ قِسْمًا وَأَفْضَلِهِمْ فِي مَعْرِفَتِكَ نَصِيبًا».

و از تو ای خدا درخواست می‌کنم که بهره مرا از فضل خود بیشتر و منزلتم را نزد خویش بالاتر از همه آنان قرار دهی و قسمت‌ام را از دوستی، عشق و محبت بزرگتر و نصیب معرفتم را به تو از دیگران بیشتر قرار دهی .

با دقت در این فراز دعا در می‌یابیم چهار خواش مهمی که در این فراز مطرح می‌شوند عبارتند از ۱ - حظ و بهره فراوان ؛ ۲ - جایگاه و منزلگاهی والا ؛ ۳ - دوستی مستمر و بی پایان ؛ ۴ - معرفت و شناختی افزون و فراوان .

با تأمل در این چهار تقاضا می‌توان به این نکته مهم پی برد که سه خواش نخستین در سایه و پرتوی معرفت الهی حاصل می‌شود ؛ به عبارت روشن‌تر هر اندازه که معرفت و شناخت ما به خداوند متعال بیشتر و عمیق‌تر باشد از خداوند سبحان بیشتر بهره‌مند می‌شویم و جایگاه ما بالاتر می‌رود و دوستی و محبت ما به خداوند بیشتر می‌شود . معرفت و شناخت همانند خورشید می‌باشد و تمام فضایل و کمالات دیگر پیرامون معرفت در حرکت هستند .

جامعه سالم در گرو عالمانی صالح؛

پذیرش حق و انکار آن مرهون عوامل مختلفی چون بیان صحیح از جانب گوینده، زمینه مناسب در شنونده، تناسب موضوع با فهم مخاطب و عوامل بسیاری از این دست می‌باشد . از جمله عوامل پذیرش حق - که حاصل آن بهره‌مندی عمومی از جامعه سالم می‌باشد - وجود عالمان حق‌پذیر و متفکر در جامعه می‌باشد . به تصریح قرآن کریم مشرکان و یهودیان از سر سخت‌ترین دشمنان مسلمانان به حساب می‌آیند و در مقابل از نصاری

(مسیحیان) به عنوان نزدیکترین دوستان مؤمنان یاد شده است. قرآن کریم علّت نزدیکی نصاری به مسلمانان را وجود عالمان پاک سیرت بیان می‌کند که با شنیدن حق به سوی آن تمایل پیدا می‌کنند. همین تعلیل می‌تواند دلیل عناد مشرکان و یهودیان را بر ما روشن نماید؛ زیرا ایشان از عالمان پاک نهاد حق‌پذیر بی بهره بودند در نتیجه در مقابل سخن حق پیامبر ﷺ گردن کشی می‌کردند. لذا خداوند متعال در رابطه با عناد مشرکان و یهودیان و ایمان آوردن مسیحیان و معرفت و شناخت آنان به رسول الله ﷺ می‌فرماید:

﴿لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى ذَلِكَ بِأَنَّ مِنْهُمْ قِسِيَسِينَ وَرُهَبَانًا وَأَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ * وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَى أَعْيُنَهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ﴾ (۱).

به طور مسلم، دشمن‌ترین مردم نسبت به مؤمنان را یهود و مشرکان خواهی یافت، و نزدیک‌ترین دوستان به مؤمنان را کسانی می‌یابی که می‌گویند: ما نصاری هستیم. این به خاطر آن است که در میان آنها، افرادی عالم و تارک دنیا هستند، و آنها در برابر حق، تکبر نمی‌ورزند * و هر زمانی آیاتی را که بر پیامبر اسلام نازل شده بشنوند، چشمهای آنها را می‌بینی که از شوق، اشک می‌ریزد. به خاطر حقیقتی که در یافته‌اند، آنها می‌گویند: پروردگارا ایمان آوردیم پس ما را با گواهان [و شاهدان حق، در زمره یاران محمد ﷺ] بنویس. دو نکته بسیار مهم در این آیه شریف وجود دارد، که اشاره به آن خالی از لطف نیست.

۱ - علّت مهم ایمان مسیحیان وجود عالمان تارک دنیا و حق‌پذیر بود که آنان از آن برخوردار بودند. اکثر انسانها از عالمان خود پیروی می‌کنند. در

۱-سوره مائده، آیات ۸۳-۸۲.

آن مقطع زمانی برخی از عالمان مسیحیت، انسانهای وارسته‌ای بودند و در برابر حق تکبر نورزیدند و ایمان آوردند، در نتیجه، پیروان آنان نیز ایمان آوردند.

در رابطه با جایگاه و اهمیت عالمان روایات فراوانی وجود دارد. به عنوان نمونه، رسول الله ﷺ می‌فرماید:

«صَنَفَانِ مِنْ أُمَّتِي إِذَا صَلِحَا، صَلَحَتِ أُمَّتِي وَإِذَا فَسَدَا، فَسَدَتِ أُمَّتِي. قِيلَ

يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ وَمَنْ هُمَا؟ قَالَ: الْفُقَهَاءُ وَالْأُمَرَاءُ»^(۱).

دو گروه از امتم اگر صالح باشند، امتم صلاح خواهد یافت و اگر فاسد باشند، امتم فساد خواهد پذیرفت. پرسیدند ای پیامبر خدا ﷺ آن دو گروه چه کسانی هستند؟ رسول الله ﷺ فرمودند: فقیهان و حاکمان.

۲ - اشک مسیحیانی که به اسلام گرویدند اشک شوق و محبت بود که سرچشمه در معرفت دارد. در برابر اشک شوق، اشک ترس و اندوه نیز وجود دارد. خداوند متعال در رابطه با مسلمانانی که نمی‌توانستند پیامبر ﷺ را در جنگها یاری کنند، می‌فرماید:

﴿وَلَا عَلَى الدِّينِ إِذَا مَا أَتَوْكَ لِتَحْمِلَهُمْ قُلْتَ لَا أَجِدُ مَا أَحْمِلُكُمْ عَلَيْهِ تَوَلَّوْا
وَأَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ حَزَنًا أَلَّا يَجِدُوا مَا يُنْفِقُونَ﴾^(۲).

و ایرادی نیست بر آنها که وقتی نزد تو آمدند که آنان را بر مرکبی سوار کنی، گفתי: مرکبی که شما را بر آن سوار کنم، ندارم. از نزد تو باز گشتند در حالی که چشمانشان از اندوه اشکبار بود زیرا چیزی نداشتند که در راه خدا انفاق کنند. خلاصه سخن آنکه معرفت و عرفان به خداوند سبحان امری مطلوب است و تمام مراتب و مقامات، بر معرفت الهی متوقف می‌باشد. هر چه

۱- خصال، صفحه ۳۷.

۲- سوره توبه، آیه ۹۲.

معرفت افزوتتر، دست یابی و بهره مندی از مقامات دیگر بیشتر.

خلوص ثمره معرفت؛

در رابطه با جایگاه و اهمیت معرفت، روایات فراوانی وجود دارد. امیرالمؤمنین علیه السلام در این رابطه می‌فرمایند:

«أول الدين معرفته وكمال معرفته التصديق به وكمال التصديق به توحيدة وكمال توحيدة الأخلص له»^(۱).

آغاز و اساس دین معرفت خدا است و کمال معرفت او تصدیقش و غایت تصدیق او توحیدش و وحدت اعلاى توحید او اخلاص یافتن برای او می‌باشد. از فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام روشن می‌شود هنگامی که معرفت به خداوند کامل شود اخلاص انسان نیز بیشتر می‌شود؛ به عبارت دیگر، میوه و ثمره معرفت الهی، اخلاص در عمل است. بنابر این می‌توان بیان کرد که یکی از موانع اصلی و اساسی معرفت و عرفان الهی، خود بینی است. چرا که خدا بینی با خود بینی قابل جمع نیست. در روایتی دیگر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمایند:

«من عرف نفسه فقد عرف ربه»^(۲).

هرکس خود را بشناسد، به درستی که خدا را شناخته است.

تمام گرفتاری‌ها و مشکلاتی که امروزه بشریت با آن دست به گریبان است ریشه در خود بینی انسانها دارد. اگر آدمیان خود را بشناسند و دریابند که چه موجودات ضعیف و ناتوانی هستند، و آغاز و سرانجام آنان چیست، دست از زیاده خواهی‌های خود بر خواهند داشت و بسیاری از مشکلات به آسانی حل خواهد شد. طغیان و سرکشی انسانها و آرزوی حکومت و قدرت

۱- نهج البلاغه، خطبه شماره ۱.

۲- بحار الأنوار، جلد ۲ صفحه ۳۳.

بی کران ریشه در عدم شناخت انسانها به خویشتن دارد .

خداوند متعال می‌فرماید :

﴿ كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظٍ * أَن رَّآهُ اسْتَغْنَى ﴾ (۱).

چنین نیست که شما می‌پندارید ، به یقین انسان طغیان می‌کند * از اینکه

خود را بی‌نیاز ببیند .

برای دست یابی به معرفتی کامل که به اخلاص و خلوص بیانجامد باید

انسانها، خود بینی، خود خواهی و نفس پرستی را کنار بگذارند. امیرالمؤمنین علیه السلام

در پاسخ به پرسش ،

«أَيُّ الْخَلْقِ أَعْمَى؟»

انسان‌های کور چه کسانی هستند؟

می‌فرمایند :

«الَّذِي عَمِلَ لغيرِ اللَّهِ» (۲).

کسانی که برای غیر خداوند کاری انجام می‌دهند .

مرحوم شوشتری^(۳) سخن زیبایی دارد . ایشان روزی بالای منبر گفتند : ای

مردم ! همه می‌گویند توحید داشته باشید من می‌گویم شرک بورزید و چون

تعجب مردم را دید منظور خود را این‌گونه بیان کرد که بد نیست در

کارهایمان قدری هم خدا را شریک کنیم .

متأسفانه افعال عبادی ما نیز ، تنها صورت عبادت دارد و دارای شکل

ظاهری است ، اما از روح و باطن عبادت در آنها هیچ اثری وجود ندارد .

۱- سوره علق ، آیات ۶-۷ .

۲- من لا یحضره الفقیه ، جلد ۴ صفحه ۳۱۳ .

۳- متأسفانه علم و فقاہت مرحوم شیخ جعفر شوشتری رحمته الله فراموش شده و بیشتر ایشان عالم به مقتل و منبری شناخته می‌شوند ، در حالیکه رساله عملیه ایشان در سطحی است که مرحوم آخوند خراسانی رحمته الله بر آن حاشیه نگاشته است .

حکایتی از گلستان:

سعدی در این باره حکایت جالبی نقل کرده است، وی می‌گوید:
زاهدی مهمان پادشاهی بود، چون به طعام بنشستند کمتر از آن خورد که ارادت او بود و چون به نماز برخاستند بیش از آن کرد که عادت او، تا ظنّ صلاحیت در حقّ او زیادت کنند.
چون به مقام خویش آمد سفره خواست تا تناولی کند. پسری صاحب فراست داشت، گفت: ای پدر باری به مجلس سلطان در طعام نخوردی؟ گفت: در نظر ایشان چیزی نخوردم که به کار آید، گفت: نماز را هم قضا کن که چیزی نکردی که به کار آید^(۱).

خداوند، سزاوار عبادت:

از آنچه تا کنون بیان کردیم می‌توان این نتیجه را گرفت که در صورتی شناخت و معرفت به خداوند متعال کامل می‌گردد که عبادات خالص تر شود. عبادتی که برای گریز از جهنّم یا به دست آوردن بهشت انجام شود، محصول عدم معرفت و عرفان به بارگاه قدس ربوبی است. امیرالمؤمنین علیه السلام در این زمینه می‌فرمایند:

«ما عبدتك خوفاً من نارك ولا طمعاً في جنتك لكن وجدتك أهلاً للعبادة
فعبدتك»^(۲).

خداوندا تو را از ترس جهنّم و طمع به بهشت عبادت نکردم، من تو را شایسته عبادت یافتم و عبادتت کردم.

۱- گلستان سعدی، باب دوم در اخلاق درویشان، حکایت ششم.

۲- بحار الانوار، جلد ۶۷ صفحه ۱۸۶.

سید الشهدا علیه السلام می فرماید :

«إِنَّ قَوْمًا عَبْدُوا اللَّهَ رَغْبَةً فَتَلَكَ عِبَادَةُ التَّجَارِ وَإِنَّ قَوْمًا عَبْدُوا اللَّهَ رَهْبَةً فَتَلَكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ وَإِنَّ قَوْمًا عَبْدُوا اللَّهَ شُكْرًا فَتَلَكَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ»^(۱).

تاجر پیشگان خداوند را به طمع بهشت عبادت می کنند و برده منشان عبادتشان از ترس آتش است ولی آزاد مردان برای شکر خداوند را عبادت می کنند.

عبادت خائفانه و طمّاعانه، تفاوت بسیار با عبادتی دارد که از معرفت و محبت سر چشمه یافته باشد. بنابر فرمایش ائمه اطهار علیهم السلام می توان بیان کرد به دست آوردن دنیا و آخرت (بهشت) نباید هدف نهایی انسان باشد، و آدمیان ارزشی بسیار بالاتر و والاتر از بهشت دارند.

حضرت آدم ابوالبشر علیه السلام می فرماید :

«لا تركنوا إلى الدنيا الفانية فإني ركنت إلى الجنة الباقية فما صحب لي واخرجت منها»^(۲).

بر دنیای فانی تکیه ننماید، زیرا من به بهشت جاودان تکیه کردم و همراهام نشد و از آن بیرون رانده شدم.

دنیا همانند زن زیبا رویی است که شوهر خود را می کشد و شوهر دیگری بر می گزیند و هزار تأسف به کسانی که این عروس هزار داماد را می بینند و درس عبرت نمی گیرند.

محبّت الهی، هدف نهایی؛

امام سجّاد علیه السلام در فرازهای پایانی این نیایش، بسیار دلنشین و جانسوز با خداوند متعال مناجات می کنند، تأمل در این فرازهای بسیار عمیق و زلال،

۱- تحف العقول، صفحه ۲۴۶.

۲- بحار الانوار، جلد ۷۵ صفحه ۴۵۲.

آموزنده و مفید می‌باشد و به بهترین وجه کیفیت مناجات با ربّ العالمین را آموزش می‌دهد.

«فَقَدِرْنَا نَقَطَعْتَ إِلَيْكَ هِمَّتِي وَأَنْصَرَفْتُ نَحْوَكَ رَغْبَتِي».

ای خدا توّجّه‌م از همه منقطع و به سوی توست و اشتیاق و میل‌م به سوی توست.

«فَأَنْتَ لَا غَيْرُكَ مُرَادِي وَلَكَ لَا لِسِيوَكَ سَهْرِي وَسُهَادِي».

پس تویی نه دیگری مرادم و برای توست نه دیگر شب زنده داری و بیداری‌ام.

عبادت و تمام رنجهایی که در راه عبادت چون بی خوابی، روزه داری و... متحمّل می‌شویم باید فقط برای کسب معرفت و محبّت الهی باشد. هر چند اگر برای فرار از جهنّم یا ورود به بهشت عبادت کنیم به مطلوب دست خواهیم یافت، امّا باید بدانیم که خود را به بهایی بسیار نازل‌تر از قیمت نفس آدمی فروخته‌ایم.

هر عملی باید هم دارای حسن فعلی و هم حسن فاعلی باشد. افعال صالح و خوبی که برای خداوند انجام نگیرد هر چند حُسن فعلی دارند، امّا حسن فاعلی ندارند، در نتیجه برای صاحب عمل مثمر ثمر نخواهد بود^(۱). عمل صالح (حسن فعلی) همانند پوسته‌ای است که مغز و لُبّ آن، نیت (حسن فاعلی) است. و تنها اعمالی که خالصانه در راه خداوند متعال انجام شده باشد، می‌تواند، رستگاری و سعادت اخروی را برای فاعل آن به ارمغان آورد. امام صادق علیه السلام از زبان خداوند می‌فرماید:

«أَنَا خَيْرُ شَرِيكٍ مِنْ أُشْرِكٍ مَعِيَ غَيْرِي فِي عَمَلٍ لَمْ أَقْبَلْهُ إِلَّا مَا كَانَ لِي خَالِصاً»^(۲).

۱- اختراعات و اکتشافات بسیار سودمند غیر مسلمانان، هر چند حسن فعلی دارند، امّا اگر برای کسب ثروت و شهرت و منافع دنیوی صورت گرفته باشد، حسن فاعلی ندارد و مخترع و مکتشف از کرده خود حظّ اخروی نمی‌برد.

۲- کافی، جلد ۲ صفحه ۲۹۵.

من بهترین شریک اعمال شما هستم، هر کس به غیر از من کسی را در اعمالی که انجام می‌دهد شریک قرار دهد، آن اعمال را نمی‌پذیرم و تنها اعمالی که خالصانه برای من انجام گیرد را می‌پذیرم.

این روایت بدین معنا است که باید همیشه تنها خداوند سبحان را در تمام اعمال و افعالمان مدّ نظر داشته باشیم. در روایتی دیگر امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «من عمل لغير الله وكله الله إلى عمله يوم القيامة»^(۱).

اگر کسی کاری را برای غیر خدا انجام دهد، خداوند در روز قیامت او را به عملش واگذار می‌کند.

رسول الله صلى الله عليه وآله به امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

«يا علي! إن الدنيا لو عدلت عند الله تبارك وتعالى جناح بعوضة لما سقى الكافر منها شربة ماء».

ای علی علیه السلام! اگر دنیا در نزد خداوند متعال به مقدار بال مگس ارزش داشت خداوند از دنیا به اندازه جرعه‌ای آب به کافر نمی‌داد.

حال که دنیا به این اندازه بی ارزش است آیا عاقلانه است که تمام هم و غم ما به دست آوردن مادیات باشد و تمام اعمالمان را برای منافع دنیوی انجام دهیم تا جایی که حتی در عباداتمان به نحوی دنیا را در نظر داشته باشیم؟ به این معنا که یا به خاطر شهرت، عملی را انجام دهیم که جز خسران سرانجامی نخواهد داشت، زیرا اعمالی که برای ریا انجام شود هیچ بهره‌ی اخروی برای فرد ندارد؛ یا اینکه در عبادتمان، از واجبات تا مستحبات و حتی در نماز شب رسیدن به ثروت و مادیات را از خداوند متعال درخواست نماییم. سید الشهدا علیه السلام می‌فرماید:

«لو بقيت الدنيا لأحد وبقى عليها أحد كانت الأنبياء أحقّ بها».

۱- المحاسن، جلد ۱ صفحه ۲۵۴.

اگر دنیا برای کسی باقی می ماند و کسی در دنیا وجود می داشت ، پیامبران سزاوارتر بودند که در دنیا باشند .

در ادامه نیایش مریدین امام سجّاد علیه السلام می فرماید :

«وَلِقَاؤُكَ قُرَّةُ عَيْنِي وَوَضْلُكَ مُنَى نَفْسِي وَالسَّيِّئُ شَوْقِي وَفِي مَحَبَّتِكَ وَلَهْيَ وَإِلَى هَوَاكَ صَبَابَتِي».

و دیدارت نور چشم من است ، و رسیدن به تو آرزوی دلم است . و به سوی توست شوقم و در محبت توست شیفتگیم و به سوی عشق توست دلدادگی ام .

«وَرِضَاكَ بُغْيَتِي وَرُؤْيُكَ حَاجَتِي وَجَوَازُكَ طَلْبِي وَقُرْبُكَ غَايَةُ سُؤْلِي» .
و خشنودی توست آرزویم و دیدار توست نیازم و همسایگی توست خواهشیم و نزدیکی توست آخرین سؤالم .

«وَفِي مُنَاجَاتِكَ رُوحِي وَرَاحَتِي وَعِنْدَكَ دَوَاءُ عِلَّتِي وَشِفَاءُ غَلَّتِي وَبَرْدُ لَوْعَتِي وَكَشْفُ كُرْبَتِي» .

و در راز و نیاز کردن با توست زنده دلی و آسودگی ام و در پیشگاه توست داروی دردم ، و بهبودی سوز جگرم و خنکی سوز دلم و بر طرف شدن گرفتاریم .
فَكُنْ أُنَيْسِي فِي وَحْشَتِي وَمُقِيلَ عَثْرَتِي وَغَافِرَ زَلَّتِي وَقَابِلَ تَوْبَتِي
وَمُجِيبَ دَعْوَتِي» .

پس باش همدم من در هراسم ، و نا دیده گیرنده لغزشم و آمرزنده زشتی ام ، و پذیرای توبه ام و پاسخگوی درخواستم .

«وَوَلِيَّ عِضْمَتِي وَمُعْنِي فَاقْتِي وَلَا تَقْطَعْ عَنكَ وَلَا تُبْعِدْنِي مِنْكَ يَا نَعِيمِي وَجَنَّتِي وَيَا دُنْيَايَ وَأَخْرَجْتِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ» .

و سرپرست پاک دامنی من و بی نیاز کننده نداریم ، مرا از خود دور و جدا مگردان ای تو نعمت و بهشت و دنیا و آخرتم ای مهربانترین مهربانان .

«وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ»

از فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام روشن
می‌شود هنگامی که معرفت به خداوند
کامل شود اخلاص انسان نیز بیشتر
می‌شود؛ به عبارت دیگر، میوه و ثمره
معرفت الهی، اخلاص در عمل است.
بنابر این می‌توان بیان کرد که یکی از
موانع اصلی و اساسی معرفت و عرفان
الهی، خود بینی است. چراکه خدا بینی با
خود بینی قابل جمع نیست.

(صفحه ۹ از همین جزوه)

www.yasrebi.ir

پست الکترونیک: info@yasrebi.ir

محل برگزاری جلسات :

چهار راه شهدا - خیابان معلم - کوچه معلم ۱۴ - پلاک ۸

تلفن ۷۷۳۲۳۶۷ و ۷۷۴۹۱۶۰ - نمابر ۷۷۴۳۹۱۹